نقش امام حسن عسکری علیه‌السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه
جمال فرزند وحی، فرشته دارابی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شمارهٔ ۳۷ «ویژهٔ حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۲ ـ ۱۳۷

نقش امام حسن عسکری علیه‌السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه

جمال فرزند وحی*
فرشته دارابی**

چکیده: اهل‌بیت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله طبق سفارش آن حضرت، در کنار قرآن کریم، بالاترین مرجع علمی‌اند که خداوند ایشان را برای هدایت و رهبری مسلمانان پس از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزیده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام یازدهمین امامی است که سکان کشتی هدایت را به دست گرفت. این پژوهش در پی آن است که با ترسیم شرایط سیاسی و اجتماعی حیات ایشان، به عنوان عوامل مهم و اثرگذار در مضمون احادیث و چگونگی نشر آنها، شیوه‌های نقل و نشر حدیث و نقش اصحاب و شاگردان آن حضرت در حفظ و نقل حدیث را وانماید و مدارس حدیثی را که در زمان ایشان رونق گرفت، معرّفی کند و آثاری را که به این حضرت نسبت داده‌اند، بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه‌السلام / حدیث / شیوه‌های نشر حدیث / مدارس حدیثی.

---

*. عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام. ***Email: Farzandwahy@yahoo.com***
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام.
Email: Fereshth_darabi81@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۱. مقدّمه

پس از قرآن کریم، دومین مرجع شناخت احکام و عقاید اسلامی، سنّت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و احادیث معصومین علیهم‌السلام است. در این مورد خدای تبارک و تعالی با نزول آیهٔ شریفهٔ: «**وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون**» (نحل (۱۶) / ۴۴) «*و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم؛ تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است؛ توضیح دهی. و امید که آنان بیندیشند.*» رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را مکلّف به تبیین مسائل قرآنی فرمود. ضمن آنکه عصمت و صلاحیت اهل‌بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این آیهٔ شریفه: «**لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُون**» (واقعه (۵۶) / ۷۹) «*جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند.*» مطرح است. در تفسیر آمده است که مراد از مطهّرون با توجه به آیهٔ «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**» (احزاب (۳۳) / ۳۳) «*خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان* [پیامبر] *بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.*» منظور از اهل‌بیت، چهارده معصوم علیهم‌السلام هستند. (طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۵) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز با صدور حدیث ثقلین، حجیّت سنّت و سیرهٔ عترت خویش را امضاء نمود.

امام حسن عسکری علیه‌السلام، یازدهین امام شیعیان، در شرایطی به امامت رسیدند که همچون پدرگرامی‌اش در محلهٔ نظامی تحت نظر مأموران حکومتی بودند و شیعیان آزادانه نمی‌توانستد با ایشان ملاقات کنند. از سوی دیگر، شیعیان در این برهه از زمان، در مناطق مختلف پراکنده بودند. با توجّه به این شرایط، امام از شیوه‌های متفاوتی نسبت به عهد صاقین علیهم‌السلام در نشر وگسترش حدیث استفاده می‌کردند. از جمله اینکه امام از پشت پرده و بیشتر از طریق واسطه‌ها و وکلاء و نوشته‌ها با مردم ارتباط برقرار می‌کرد؛ در صورتی‌که در زمان صادقین علیهم‌السلام ارتباط با مردم آزادانه‌تر و واسطه‌ها کمتر بودند.

۱ـ۱) مروری کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری علیه‌السلام

در روز هشتم ربیع الثانی یا ۲۴ ربیع الاوّل سال ۲۳۲ هجری قمری، مدینهٔ منوّره

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

به قدوم مبارک دومین فرزند ذکور امام هادی‌علیه‌السلام مزیّن گشت. (طبرسی، ص ۴۸۵؛ مفید، ج ۲، ص ۳۰۸) این نوزاد فرخنده از دامان مادری پرهیزکار، مؤمنه و دانا به نام سلیل یا حدیث متولّد شد. (طبرسی، ص ۴۸۵) امام هادی‌علیه‌السلام این نوزاد را حسن نام نهاد و کنیه مبارکش را ابومحمّد قرار داد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۴۲ ـ ۲۴۴) القاب ایشان عبارت‌اند از: صامت، هادی، رفیق، زکی، سراج، عسکری و نقی. (طبرسی، ص ۴۸۵) از همان بدو تولّد، امام هادی‌علیه‌السلام ایشان را به عنوان امام و جانشین خود معرفی فرمودند؛ چراکه امام هادی‌علیه‌السلام قبل از تولّد امام حسن فرزند دیگری به نام محمّد داشت و ممکن بود، این شبهه پیش بیاید که او امام و جانشین پدر است؛ لیکن این پسر گرامی که جوانی دانشمند، متّقی و والا مقام بود، که در سنّ جوانی از دنیا رفت و اینک مزار او در فاصلهٔ میان بغداد و سامراء واقع است و به نام مقبرهٔ «سیّد محمّد» مزار شیعیان می‌باشد. (جزائری، ص ۸۴۵)

در اینجا به چند نمونه از نصوصی که دلالت بر امامت ایشان می‌کند، اشاره می‌کنیم: علی‌بن عمر نوفلی گوید: در صحن منزل امام هادی‌علیه‌السلام در خدمتش بودم که سیّد محمّد از نزد ما گذشت. به امام عرض کردم: قربانت گردم، بعد از شما این صاحب ماست؟ فرمود: نه صاحب شما بعد من حسن است. (کلینی، ج ۲، ص ۱۱۳) عبدالله بن محمّد اصفهانی نیز در این‌باره می‌گوید: امام هادی‌علیه‌السلام فرمود: «صاحب شما بعد از من کسی است که بر من نماز بخواند» و ما تا آن روز ابا محمّد امام حسن عسکری‌علیه‌السلام را نمی‌شناختیم (پس از وفات امام هادی‌علیه‌السلام ابامحمّد‌علیه‌السلام بیرون آمد و بر جنازهٔ آن حضرت نماز خواند). (همان، ص ۱۱۴)

امام حسن عسکری‌علیه‌السلام در حالی‌که ۲۲ سال از عمر شریفش می‌گذشت، به امامت رسید و عهده‌دار این منصب الهی گشت. امام حسن‌علیه‌السلام در شهر سامرا به حلّ مشکلات و مسائل مردم همّت می‌گماشت و امور شیعیان را سازماندهی می‌فرمود. سالهای امامت آن حضرت مصادف شد با بقیهٔ دوران حکومت معتز عباسی و پس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

از آن حکومت مهتدی و در نهایت پنج سال از حکومت معتمد عباسی می‌گذشت (جزائری، ص ۸۴۵) که در سال ۲۶۰ هجری در سنّ ۲۸ سالگی به شهادت رسید و در منزلش در سامرا در کنار پدر بزرگوارش دفن شد. (شعیری، ص ۵۰)

۱ـ۲) وضعیت سیاسی ـ اجتماعی دوران امام حسن عسکری علیه‌السلام

خلفای عبّاسی عموماً امامان شیعه را تحت فشار و محدودیت قرار می دادند؛ به طوری‌که تعقیب و مراقبت از امام هادی و امام حسن عسکری به قدری بود که آنان را در میان لشکریان جای داده بودند و به همین دلیل این دو را عسکریین علیهماالسلام لقب داده‌اند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۱۳) با این حال، فشارها و محدودیتها برای امام حسن عسکری علیه‌السلام به این جهت که در آن دوران شیعه به صورت یک قدرت عظیم در عراق درآمده بود (و این باعث می شد که خلفاء احساس خطر کنند) بیش از دیگران بود. (معارف، ص ۳۷۳)

دودمان عبّاسی، طبق روایات فراوان و متواتر می دانستند که مهدی، از بین برنده حکومتهای باطل و برپا کنندهٔ حق، فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام خواهد بود. این موضوع باعث شده بود تا حکومت عبّاسی به شدّت، حضرت عسکری را تحت کنترل قرار دهد. (ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۴۳۴) این امر موجب محدود شدن ارتباط شیعیان با ایشان شده بود. در برخی از گزارشها آمده است که امام در هر هفته، دو روز می‌بایست به مرکز حکومت مراجعه می‌کرد. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۳۷)

شیعیان معمولاً در مسیری که امام به مرکز حکومت رفت و آمد می‌کرد، با آن حضرت ملاقات می‌کردند. در کتاب الغیبه آمده است که در یوم النوبه (روز مراجعه امام به مرکز حکومت) شور و شعفی در میان مردم پدید می‌آمد و خیابانها مملو از جمعیت می شد. آنگاه که امام در خیابان حضور می یافت، هیاهو خاموش می شد و امام از میان مردم عبور می‌کرد. (طوسی، الغیبه، ص ۲۵۱)

بنابراین، محیط خشن سامرا و خفقان حاکم بر آن همواره با زیر نظر بودن شدید

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

امام، موجب شد که امام از طریق وکلا و به وسیلهٔ مکتوبات و توقیعات با شیعیان ارتباط برقرار کنند. ارتباطی این‌گونه، یعنی حضور در میان مردم و عدم مواجههٔ مستقیم با آنان، زمینهٔ لازم را برای دوران غیبت فراهم آورد؛ به طوری‌که بحرانی در کتابش آورده است که امام حتّی به هنگام سخن‌گفتن با اصحاب خویش نیز از پس پرده با آنان صحبت می‌کرد. آنان صدای امام را می‌شنیدند؛ ولی صورت ایشان را نمی‌دیدند. (بحرانی، ص ۲۶۲)

۱ـ۳) شیوه‌های نشر حدیث در دوران امام حسن عسکری علیه‌السلام

۱ـ۳ـ۱) مسائل

مسائل دارای مفاهیم متعدّدی است؛ امّا در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام بیشتر به دو مفهوم مسائل آزمودنی و مسائل شرعی به کار رفته و در این دو مفهوم که در نهایت به یک نتیجه می‌رسند، مخاطب اصلی سؤالات، امامان بوده‌اند و پاسخ آنان مانند دیگر روایاتشان حجّت بوده است. (معارف، ص ۳۳۹)

۱ـ۳ـ۱ـ۱) مسائل آزمودنی

منظور آن دسته از مسائلی است که اصحاب ائمه علیهم‌السلام به تدریج، فراهم کرده و با استفاده از آن، امامت امامان شیعه را به آزمون می‌گذاشتند. این مسائل آزمودنی پس از دوران امام صادق علیه‌السلام که میزان تردید در شناخت امامان علیهم‌السلام زیاد گردید، یکی از راههای شناخت امام بر حق بود که با طرح سؤالاتی، امامت وی را می‌آزمودند. در صورتی که مدّعی امامت بدون تأمّل و به طور صحیح به سؤالات پاسخ می‌داد، امامت و حقانیّت او بر مراجعان ثابت می‌شد. (همو، ص ۳۴۰) نخستین بار امام صادق علیه‌السلام به یاران خود سفارش کرد تا به عنوان یکی از راههای شناخت امام علیه‌السلام با طرح سؤالاتی امامت وی را بیازمایند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۸۴)

۱ـ۳ـ۱ـ۲) مسائل شرعی روزمره

منظور از مسائل شرعی روزمره آن دسته از سؤالات است که شیعیان در مقام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

انجام تکالیف دینی یا در برخورد با مخالفان خود به آن برخورد می‌کردند و با شرفیابی به محضر ائمّه علیهم‌السلام یا از طریق مکاتبه، حکم آن را از امامان جویا می‌شدند.از عهد امام دهم به بعد که تماس شیعیان با امامان خود محدود شد، سؤالات شیعیان دست به دست می‌گشت تا به امام برسد و جواب صادر گردد. پاسخها در حکم روایت و حدیث به شمار می‌رفت. (معارف، ص ۳۴۲)

از جمله افرادی که در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام واسطهٔ مسائل بودند، محمّدبن عثمان عمری (نجاشی، ص ۴۴۲) محمّدبن سلیمان ابوطاهر زراری (همو، ص ۳۴۸)، محمّدبن ریّان‌بن صلت اشعری (همو، ص ۳۷۱)، محمّدبن علی‌بن عیسی قمی (طوسی، الفهرست، ص ۴۴۱) و صاحب کتاب مسائل إلی أبی‌محمّد العسکري، یعنی محمّدبن حسن بن صفار (همان، ص ۳۸۳) و ... بوده‌اند. با توجّه به کتابهای رجالی روشن می‌گردد که اوّلاً در ترجمه هر یک از این اشخاص آمده است: «له مسائل»؛ ثانیاً نام امامی که این مسائل به وی تعلّق دارد، ذکر شده است.

۱ـ۳ـ۲) مکاتبه

فضای اجتماعی و وضعیت سیاسی حاکم بر جامعه، اقتضا می‌کرد که بیشتر احادیث امام از طریق مکاتبه انتشار یابد. این مکتوبات را می‌توان به دو بخش کلّی تقسیم نمود:

بخش اوّل عبارت است از نامه‌ها، دستورالعملها و حتّی پیغامهای ائمّه علیهم‌السلام که خطاب به نمایندگان خود یا شیعیان مستقر در یک ناحیه ارسال می‌کردند و در آن نامه‌ها و رسائل، وظایف و تکالیف آنان را در پیش‌آمدهای سیاسی و اجتماعی روشن می‌ساختند.

بخش دوم از مکتوبات حدیثی، عبارت است از پاسخهای ائمّه علیهم‌السلام در ذیل سؤالاتی که شیعیان از نقاط مختلف ارسال می‌کردند. (معارف، ص ۳۴۳ ـ ۳۴۴) به عنوان مثال، علی‌بن یقطین به امام حسن عسکری نوشت: اگر کسی اجرای وصیت را به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

فرزندان خود محوّل کند، در صورتی که برخی نابالغ‌اند، آیا فرزندان بالغ می‌توانند وصیت پدر خود را اجرا کنند؟ ابومحمّد در پاسخ نوشت: بلی. (کلینی، ج ۷، ص ۴۶) در مواردی که سؤال‌کننده سؤال خود را می‌نوشت و جای پاسخ را خالی می‌گذاشت، امام علیه‌السلام در ذیل همان سؤال پاسخ را با خطّ مبارک خود درج می‌نمود. پاسخی که بدین طریق دریافت می‌شد، توقیع می‌خواندند. (معارف، ص ۳۴۷) به عنوان نمونه، عبدالله‌بن جعفر حمیری که از مشایخ قم به شمار می‌رفت، دارای سه کتاب در باب رسائل و توقیعات امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام است. (طوسی، الفهرست، ص ۲۹۳)

۱ـ۳ـ۳) سازمان وکالت

گستردگی و پراکندگی مراکز تجمّع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می‌کرد؛ تا پیوند شیعیان را با حوزهٔ امامت از یک سو، و ارتباط آنان را با همدیگر از سوی دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز از زمان امام جواد علیه‌السلام احساس می‌شد و در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام به یک سازمان منسجم، گسترده و فراگیر تبدیل شده بود. نهاد وکالت شخصی ارشد را در رأس خود داشت که با امام ارتباطی مستمر برقرار می‌کرد. مقام و موقعیت وکیل ارشد و نایب خاص برای همهٔ شیعیان، به خصوص برای وکیلان ردهٔ پایین‌تر، شناخته شده و پذیرفته بود. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۳۹) در کتاب رجال کشّی آمده است که امام طیّ نامه‌ای به صورت رسمی، ابراهیم‌بن عبده را به وکالت در منطقهٔ بیهق و نیشابور منصوب کرده است. (کشّی، ج ۲، ص ۷۹۷) در همین کتاب، در نامه‌ای دیگر، امام به ارتباط بین وکیلان و وکیل ارشد اشاره کرده است. (همو، ص ۸۴۸)

وکیلان علاوه بر جمع‌آوری اموال مربوط به امام از تمامی مناطق شیعه‌نشین و تحویل آن به امام یا وکیل ارشد ایشان، رد و بدل کردن نامه‌های شیعیان به امام و پاسخ امام به فرستادگان نامه‌ها را نیز به عهده داشتند. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ص ۳۳۹) وکیلان معمولاً از افراد موجّه اجتماعی بودند. می‌توان گفت که شخصیت عمومی و وجههٔ اجتماعی وکیل، بر دانش و علم او مقدّم‌تر بود؛ از این‌رو وکیلان معمولاً از شخصیتهای سرشناس علمی نبودند. (سبحانی، ص ۲۹۷)

عثمان‌بن سعید، شخصیّت موجّه و شناخته شدهٔ شیعی، وکیل ارشد امام بود و همهٔ اموال به دست او می‌رسید. (طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴) فرزند او محمّدبن عثمان نیز منصب وکالت را به عهده داشت. (همان، ص ۴۰۰) احمدبن اسحاق اشعری، از عالمان بزرگ قم و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه‌السلام وکیل آن حضرت در ناحیهٔ قم بود. (طوسی، الفهرست، ص ۶۳) و از وکلای بغداد می‌توان به ریّان‌بن صلت بغدادی خراسانی اشعری اشاره کرد. (همان، ص ۲۹۵) وکیل آن حضرت در کوفه ایوب بن نوح بن دراج بود (طوسی، ص ۴۹۶) و علی‌بن جعفر همانی برمکی از وکلای مکّه (مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکریّین علیهم‌السلام، ص ۱۹۵) و عبدالله بن حمدویه بیهقی از وکلای حضرتش در بیهق و نیشابور بود. (طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸)

۱ـ۴) آثار منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام

۱ـ۴ـ۱) آثار مکتوب

۱ـ۴ـ۱ـ۱) تفسیر قرآن

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزهٔ میراث حدیثی امام حسن عسکری علیه‌السلام، بحث دربارهٔ تفسیر منسوب به آن امام است. این کتاب، مجموعهٔ روایات تفسیری است که تنها به سورهٔ فاتحة الکتاب و بقره پرداخته است. این کتاب را شیخ صدوق به نقل از محمّدبن قاسم استرآبادی و او به نقل از یوسف‌بن محمّدبن زیاد و علی‌بن محمّدبن یسار و آن دو نیز از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل کرده‌اند. (ابن بابویه، ج ۲، ص ۳۲۷) از قرن چهارم هجری که این کتاب منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت، همیشه مورد بحث بوده و مخالفان در این‌باره اظهارنظر کرده‌اند.

شدیدترین موضع‌گیری را ابن غضائری ابراز کرده است. ایشان می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

محمّدبن قاسم، مفسّر اهل استرآباد که ابوجعفر (شیخ صدوق) از او روایت می‌کند، ضعیف و دروغگوست و در عین حال، از دو نفر مجهول، روایت کرده که اینها همه دال بر این است که تفسیر جعلی است. (واسطی بغدادی، ص ۹۸)

علامه حلّی (حلی، ص ۵۰)، علامه شوشتری (شوشتری، ج ۱، ص ۱۵۲)، ابن شهرآشوب (ابن شهرآشوب، ج ۲، ص ۳۰۰) و آیت الله خویی از مخالفان انتساب این کتاب به امام حسن عسکری علیه‌السلام هستند. برخی از مخالفان در ردّ انتساب کتاب به امام عسکری علیه‌السلام به ضعف سندی و اکثر آنها به ضعف محتوایی برخی از متون مندرج در کتاب استناد کرده‌اند. آیت الله خویی در این‌باره می‌نویسد: کسی که بدین تفسیر بنگرد و در آن تأمّل کند، هیچ شکّی در جعلی بودن آن نخواهد کرد؛ زیرا هیچ شخص عالم و دانشمندی چنین نگاشته‌ای را نمی‌نگارد؛ چه برسد به امام معصوم. (خویی، ج ۱۳، ص ۱۵۹)

بسیاری از عالمان شیعی هیچ اشاره‌ای به این کتاب نکرده‌اند؛ در حالی که اگر این کتاب منسوب به امام باشد و در اختیار و مورد تأکید آنان می‌بود، از آن استفاده می‌کردند. برقی، علی‌بن ابراهیم قمی، ثقة الاسلام کلینی، شیخ مفید و سیّد مرتضی از این گروه هستند.

در بین موافقان، کسانی هستند که این کتاب را موضوع نمی‌شمرند؛ بلکه با اعتماد بر کلّ کتاب یا برخی از متون آن، به طور اجمالی، انتساب کتاب به امام را پذیرفته‌اند؛ گرچه ممکن است برخی از متون را ضعیف و یا ناصحیح بدانند. شیخ صدوق، قطب الدین راوندی، شهیدثانی، مجلسی اوّل، علامه مجلسی، محدث نوری و آقابزرگ تهرانی از این گروه‌اند. (استادی، ص ۷۲۰ ـ ۷۳۲)

شیخ صدوق، محمّدبن قاسم را با دعای رضی‌الله عنه یاد کرده است؛ ولی این‌گونه یاد کردن را نمی‌توان دلیل بر وثاقت او دانست. افزون بر آن، دو نفر راوی اصلی متن تفسیر نیز مجهول‌اند و توثیق یا مدح خاصی در مورد آنها موجود نیست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

بنابراین با توجّه به معیار وثوق سندی، ضعیف شمرده می شود.

روشن است که عنوان «ضعیف»، تفاوت ماهوی با وصف «موضوع» دارد. در حدیث موضوع، متنی جعل شده است که دلایل قطعی بر عدم صدور آن از معصوم علیه السلام وجود دارد. (مدیرشانه‌چی، ص ۱۷۰) بنابراین ضعف سندی کتاب، متون آن را از حجیت ساقط می‌کند؛ ولی دلیلی بر وضع و جعل آن نخواهد شد.

برخی از متون موجود در کتاب به لحاظ محتوایی مشکل اساسی دارند؛ به گونه‌ای که از حجیّت ساقط شده‌اند. وجود این متون، اگر چه اعتماد به کتاب را کاهش می دهد؛ ولی دلیل بر جعلی بودن تمامی کتاب نیستند[1].

۱ـ۴ـ۱ـ۲) کتاب المنقبه

این کتاب شامل احکام شرعی است. علامه آقابزرگ طهرانی دربارهٔ آن نوشته است: شامل بیشتر احکام و مسائل حلال و حرام است. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۳، ص ۱۴۹) بعضیها این کتاب را به امام حسن عسکری نسبت داده‌اند. (ابن شهرآشوب، ص ۱۲) بیضاوی در الصراط المستقیم این کتاب را به امام حسن عسکری علیه السلام نسبت داده است. (غروری نائینی، ص ۳۰۱)

۱ـ۴ـ۱ـ۳) کتاب الحجب فی التفسیر

سمعانی در کتاب الانساب، این کتاب را از آثار آن حضرت نام برده است. (سمعانی، ج ۱، ص ۵۰۷) به غیر ایشان تا جایی که فرصت تحقیق بود، در جای دیگری مشاهده نشد که از این اثر نام برده باشند.

۱ـ۴ـ۲) آثار غیر مکتوب

۱ـ۴ـ۲ـ۱) حکمتها و سخنان پندآموز

امام حسن عسکری علیه السلام همچون پدران گرامی خود، در هر فرصتی، سخنان

۱. در شمارهٔ ۳۵ سفینه گفتاری از آیت الله سیّد احمد صفایی خوانساری دراثبات انتساب و اعتبار این تفسیر به امام عسکری علیه السلام چاپ شده است. (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

حکمت‌آموز و موعظه‌هایی ایراد می‌نمودند. از جمله اینکه حضرت فرمودند: شرک ورزیدن مردم پنهان‌تر از حرکت مورچه بر پلاس سیاه در شب سیاه است. (شیخ حرّ عاملی، ج ۱۶، ص ۲۵۴؛ ابن شعبه حرانی، ص ۴۸۷)

۱ـ۴ـ۲ـ۲) دعا و حرز

از امام حسن عسکری دعاها و حرزهایی روایت شده است که در اینجا به یک نمونه بسنده می‌کنیم:

ای شنونده‌ترین شنوندگان! و ای بیننده‌ترین بینندگان! و ای سریع حساب کنندهٔ حساب کنندگان! و ای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان! و ای حکم کننده‌ترین حکم‌کنندگان! بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرست و روزی مرا وسعت ده و عمر مرا طولانی گردان. با رحمت خود بر من منت گذار و مرا از کسانی قرار ده که دین تو را یاری می دهند و دیگری را جای من قرار مده. (ابن بابویه، ج ۱، ص ۳۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۷۴)

۱ـ۴ـ۲ـ۳) وصیتها و سفارشها

آن حضرت در هر موقعیتی که به دست می‌آوردند، شیعیان را وصیت و سفارش می‌کردند. به عنوان مثال، در سفارش به شیعیان فرمودند:

شما را وصیت می‌کنم به تقوای الهی و راستگویی در گفتار و بازگرداندن امانت به کسی که به شما اعتماد کرده است، چه نیکوکار باشد و چه بدکار. شما را به سجده‌های طولانی و حسن معاشرت با همسایگان سفارش می‌کنم؛ زیرا محمّد صلی الله علیه و آله برای این مطالب برانگیخته شده است. (عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۶)

۱ـ۵) مدارس حدیثی در دوران امام عسکری علیه السلام

۱ـ۵ـ۱) سامرا

سامرا در انتهای ثلث اوّل قرن سوم هجری تأسیس و به عنوان پایتخت دولت عبّاسی مطرح شد. (جباری، ص ۱۳۲) چیزی نگذشت که متوکّل عباسی امام هادی علیه السلام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

را به این شهر فرا خواند و از آن پس، این شهر به محل تجمع شیعیان و رهبری آنان تبدیل شد. هر چند آن حضرت تحت نظر بودند، ولی به طرق مختلف، روابط ایشان با شیعیان برقرار بود. امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز تمامی دوران کوتاه مدت امامتش را در این شهر می‌زیست. تعدادی از اصحاب ایشان در سامرا عبارت‌اند از: عمربن ابی‌مسلم (کلینی، ج ۲، ص ۴۴۴)، ابی الصهبان (طوسی، الفهرست، ص ۳۷۸)، نصربن حازم قمی. (همان، ص ۴۲۵)

در این دوران، مدرسهٔ حدیثی سامرا در مقایسه با مدارس قم و بغداد که از چندین دههٔ پیش شروع به فعالیت کرده بودند، چندان رونق نگرفته بود و نمی‌توان آن را مدرسه‌ای همچون دیگر مدارس به حساب آورد؛ ولی چون امام حسن عسکری علیه‌السلام و پدر بزرگوارشان در این شهر بودند، باعث شد اصحابشان نیز به تبع ایشان در این شهر حضور پیدا کنند. بیشتر احادیثی را که از ایشان روایت کرده‌اند مبتنی بر مسائل فقه و قواعد فقه است.

۱ـ۵ـ۲) قم

حوزهٔ حدیثی قم در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام رونق گرفته و شکوفا شده بود. اساتید حدیثی از مناطقی مثل کوفه به قم می‌آمدند و همراه با دانشمندان قم، به تعلیم و آموزش مشتاقانی می‌پرداختند که از این شهر و از نقاط اطراف قم، برای آموزش حدیث، به قم مراجعه می‌کردند. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۴۱)

از ویژگیهای اصلی و مهم مکتب حدیثی قم، گرایش شدید آنان به احادیث و نصوص دینی و پرهیز از دخالت دادن هر امر دیگر، اعمّ از احکام مستقل عقلی یا ظنون غیر معتبر، در مقولهٔ فهم دین و استنباط احکام است. (همو، ص ۳۴۲) از دیگر ویژگیهای مکتب حدیثی قم، پرهیز محدّثان از نقل احادیث ضعیف یا منقول از ضعفا و همچنین احادیث غلوآمیز بود. از جمله اشخاصی که از این حوزهٔ حدیثی با حضرت عسکری در ارتباط بودند، محمّدبن حسن‌بن صفار (طوسی، الفهرست، ص ۴۰۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

زکریابن آدم قمی (همان، ص ۲۰۶) و سعدبن عبدالله اشعری قمی (همان، ص ۲۱۱) می‌باشند.

۱ـ۵ـ۳) بغداد

بغداد از جمله شهرهای مهمّ اسلامی در عراق بود که از بدو پیدایش و تأسیس به محلّ حضور شیعیان تبدیل گشت و زمانی که مدرسهٔ کوفه رو به زوال نهاده بود، بسیاری از محدثان آن به بغداد منتقل شده بودند. (جباری، ص ۱۳۰)

مهاجرت طلاب از سایر مناطق جهان اسلام به حوزهٔ بغداد، باعث گستردگی علوم، دانش، تحقیق و اجتهاد شد. در این دوره اجتهاد به سبک شیعی آن شکل می‌گیرد و مناظره وگفتگوی رو در رو میان صاحبان افکار و عقاید مختلف به وجود می‌آید. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۴۸)

برخی از اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام در این حوزه عبارت‌اند از: عثمان‌بن سعید عمری (ابن بابویه، ج ۴، ص ۵۱۰)، علی‌بن محمّدبن احمد متیل قمی (طوسی، الغیبه، ص ۳۶۹) و حسن‌بن متیل قمی (همان، ص ۳۶۹) دیگر اعضای خاندان متیل قمی نیز ساکن بغداد بودند.

نتیجه‌گیری

در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام با توجه به شرایط سیاسی و جوّ خفقان اجتماعی، ارتباط ایشان با شیعیان آزادانه نبود و اصحابشان به صورت محرمانه با ایشان در ارتباط بودند. به تبع این شرایط اجتماعی، شیوه‌های نشر حدیث عموماً یا به صورت مسائل و مکاتبه با حضرت بود، یا اینکه از طریق واسطه‌ها و وکلای مورد اعتماد ایشان در مناطق شیعه نشین بود که احادیث ایشان را به شیعیان منتقل می‌کردند و مشکلات و مسائل آنها را با امام در میان می‌گذاشتند.

آثاری نیز به امام حسن عسکری علیه‌السلام نسبت داده‌اند؛ از جمله: تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام که برخی همچون ابن غضائری، علامه حلّی، علامه شوشتری و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

آیت الله خویی از مخالفان انتساب این کتاب به امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشند و برخی دیگر همچون علامه مجلسی، شهید ثانی و محدث نوری این کتاب را به ایشان نسبت داده‌اند. از دیگر آثاری که به ایشان نسبت داده‌اند کتاب المنقبه و کتاب الحجب فی التفسیر است.

با توجّه به اینکه امام در شهر سامرا سکونت داشتند، اصحاب و شاگردان ایشان به این شهر می‌آمدند و با حضرتش ملاقات می‌کردند. به همین دلیل بود که شهر سامرا به محلی برای تجمّع و رفت و آمد شیعیان تبدیل شد و مدرسهٔ حدیثی سامرا کم‌کم پایه‌ریزی گشت. از دیگر حوزه‌ها، حوزهٔ حدیثی قم و حوزهٔ بغداد، اساتید برجستهٔ این حوزه‌ها از شاگردان و اصحاب این امام بزرگوار بودند و واسطه بین این حضرت و شیعیان آن زمان به شمار می‌رفتند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

منابع

قرآن کریم، ترجمه: محمّد مهدی فولادوند

۱. ابن بابویه، محمّدبن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۲. ابن شعبه حرّانی، حسن‌بن علی. تحف العقول. تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن شهرآشوب. مناقب آل ابی‌طالب. نجف: حیدریه، ۱۳۷۶ ش.

۴. استادی، رضا. مؤخره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.

۵. آقابزرگ تهرانی. الذریعه. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.

۶. بحرانی، هاشم. بهجه النظر فی اثبات الوصایه و الإمامه للأمه الإثنی عشر. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۷ ق.

۷. جباری، محمّدرضا. مکتب حدیثی قم. قم: زائر، ۱۳۸۴ ش.

۸. جزائری، نعمت الله. قصص الانبیاء. مترجم: فاطمه مشایخ، تهران: فرحان، ۱۳۸۱ ش.

۹. حرّعاملی، محمّدبن حسن. وسائل الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱۰. خویی. معجم الرجال الحدیث. ۱۴۱۳ ق.

۱۱. سبحانی، جعفر. کلیات علم رجال. مترجم: مسام قلیپور گیلانی، علی‌اکبر روحی، قم: قدس، ۱۳۸۹ ش

۱۲. سمعانی. الانساب. بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸ ق.

۱۳. شعیری، محمّدبن محمّد. کاشف الأستار. مترجم: شرف‌الدین خویدکی، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۸۸ ش.

۱۴. طباطبائی، محمّدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. مترجم: محمّدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۱۵. طباطبائی، محمّدکاظم. تاریخ حدیث شیعه(۱). تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.

۱۶. طبرسی، فضل‌بن حسن. اعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.

۱۷. طوسی، محمّدبن حسن. الغیبه. تحقیق: عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۱۸. ـــــــــــ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الاصول. قم: ستاره، ۱۴۲۰ ق.

۱۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف. خلاصة الاقوال فی معرفه الرجال. قم: نشر فقاهه، ۱۴۰۷ ق.

۲۰. علامه شوشتری، محمّدتقی. مستدرک الاخبار الدخیلة. تهران: کتابخانه صدوق، ۱۳۶۷ ش.

۲۱. عیاشی، محمّدبن مسعود. تفسیر عیاشی. تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ ش.

۲۲. غروی نائینی، نهله. تاریخ حدیث شیعه. قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۶ ش.

۲۳. کشّی، محمّدبن عمر. رجال کشّی. قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۳۶۳ ش.

۲۴. کلینی، محمّدبن یعقوب. اصول کافی. مترجم: جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ ش.

۲۵. مجلسی، محمّدباقربن محمّدتقی. بحارالانوار. بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۲۶. مدیر شانه‌چی، کاظم. علم الحدیث و درایه الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

۲۷. معارف، مجید. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه. تهران: موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ ش.

۲۸. مفید، محمّدبن محمّد. الإرشاد. مترجم: هاشم رسولاتی محلاتی، تهران: اسلامیه.

۲۹. نجاشی، احمدبن علی. رجال نجاشی. قم: موسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۳۰. واسطی بغدادی، احمدبن حسین. الرجال لابن الغضائری. تحقیق: محمّدرضا حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]